

تحلیل رابطه‌ی مؤلفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم

(مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)

قدرت‌الله خسرو شاهی* - حسین جوادی حسین آبادی**

(تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۷ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۳)

چکیده:

پژوهش پیش رو با هدف بررسی نقش ابعاد هویت دینی در پیش‌گیری از ارتکاب جرم در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه اصفهان به تعداد ۱۱۲۴۱ نفر تشکیل داده‌اند که از این میان مطابق با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم تعداد ۳۷۱ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در بُعد هویت دینی پرسشنامه محقق ساخته براساس مولفه‌های هویت دینی گلارک و استارک و در بُعد ارتکاب جرم، پرسشنامه محقق ساخته خود اظهاری جرایم بود که روایی صوری و محتوایی آن با استفاده از نظرات پنج نفر از صاحب نظران تایید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌ی هویت دینی ۰/۸۳ و پرسشنامه‌ی جرایم ۰/۸۵ محاسبه گردیده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد و میانگین و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی رگرسیون چندگانه و آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند بین هویت دینی و ارتکاب جرایم (۰/۴۰۲-) رابطه‌ی معنی‌دار منفی وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان دین‌داری، نرخ ارتکاب جرم کاهش پیدا کرده است. همچنین بین ابعاد هویت دینی یعنی بُعد اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی با ارتکاب جرایم به ترتیب با ضریب (۰/۳۱۸-)، (۰/۲۸۴-)، (۰/۴۰۳-) و (۰/۳۷۵-) رابطه‌ی معنی‌دار وجود داشت. نتایج حاصل از ضریب رگرسیون گام به گام نیز نشان داد در گام اول بُعد مناسکی و در گام دوم بُعد اعتقادی پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان جرایم است. یافته‌ها همچنین نشان داده‌اند که زنان میانگین بیشتری در ابعاد هویت دینی به دست آورده و به نسبت کمتری از مردان مرتکب جرم شده‌اند.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، تابعیت، دادگاه، جرم، صلاحیت.

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان: ghkho44@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، (نویسنده مسئول): hossein_javadi@gmail.com



مقدمه؛

در طول تاریخ، بعد کنترلی دین به لحاظ پیامدهای بیرونی و عینی در حوزه‌های مختلف اجتماعی و از جمله در زمینه‌ی پیش‌گیری از جرم همواره مد نظر بوده است. با این حال پیش‌آمد تحولاتی چون انقلاب صنعتی، مادی‌گرایی افراطی و رفاه‌زدگی سبب تقلیل نقش خدا از شارعیت به خالقیت و دین از هنجارگذاری به امری صرفاً تسکین‌بخش شد. گریز از دین نه تنها در میان سیاست‌مداران و سپس آحاد مردم بلکه بیش و پیش از آن در آثار دانشمندان علوم اجتماعی و جرم‌شناسی قابل ردیابی است. جرم‌شناسان تحقیقی با مبنا قرار دادن روش‌های کمی در انجام پژوهش‌های علمی بسیاری از آثار دین را به عنوان یک متغیر تاثیرگذار بر پدیده‌های اجتماعی و از جمله جرم نادیده انگاشته‌اند، تا آن‌جا که می‌توان ادعا نمود که در حال حاضر دین با غفلت عامدانه از سوی پژوهش‌گران جرم‌شناسی مواجه است^۱. این غفلت از دین و تلاش در جهت بهره‌مندی از خرد انسانی به جای معارف الهی با گذشت زمان منجر به پیامدهای در خورد توجهی در عرصه‌ی اجتماع شده است. از جمله آن که به موازات رنگ باختن ابعاد مناسکی و اعتقادی دین‌داری، به ابعاد تجربی و به ویژه پیامدی دین به لحاظ اثرات عینی و ملموس اجتماعی توجه بیشتری شده است. ضمن آن که استفاده از ابزارهای کمی به منظور بررسی رابطه‌ی دین و جرم باعث شکل‌گیری ادبیات علمی و مبتنی بر روابط علی معلولی در این حوزه گردیده و این امکان را فراهم ساخته که با شناخت ابعاد تاثیرگذار دین بر وقوع جرم و برنامه‌ریزی در جهت افزایش دین‌داری شهروندان در این حوزه‌ها از نرخ جرایم کاست. بر این اساس سوال آن است که با توجه به اینکه عصر مدرن بستر تزلزل دینی را به واسطه‌ی تحولات پیش‌گفته فراهم آورده آیا در حال حاضر پژوهش‌های میدانی می‌توانند نقش دین در کنترل رفتار مجرمانه را به اثبات رسانند؟ و در صورت پاسخ مثبت چه ابعادی از دین موجب تقویت خود کنترلی در سطح فردی خواهد شد؟ برای پاسخ به سوالات فوق پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده از روش خود اظهاری^۲ میزان تاثیر هویت دینی در ارتکاب جرم را مورد بررسی قرار داده و ارتباط این دو متغیر را تبیین نماید. همچنین به این سوال پاسخ دهد که کدام یک از ابعاد اعتقادی، تجربی، مناسکی

۱. برای مثال در فهرست موضوعی ۲۸ گانه متن درسی جرم‌شناسی در برخی از کشورهای پیشرو در این علم صرفاً در ۴ فهرست به دین اشاره شده است (ر.ک به رادنی استارک، ویلیام سیمز بن بریج دین، کجروی و کنترل اجتماعی، ترجمه علی سلیمی مجله علوم اجتماعی: روش‌شناسی علوم انسانی: بهار ۱۳۷۹ شماره ۲)

۲. Selfreported Method

یا پیامدی هويت دینی در پیش‌گیری از جرم نقش مهم‌تری ایفا می‌کند و پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری در ارتکاب جرم محسوب می‌شود؟

۱. هويت دینی و پیش‌گیری از جرم؛

به‌صورت سنتی، عمده رویکردهای پیشگیرانه در جرم‌شناسی معطوف به رویکردهای مبتنی بر «دیگر کنترلی» بوده و کمتر از سازوکارهای برآمده از «خود کنترلی»^۱ استفاده شده است. وانگهی امروزه به واسطه‌ی گسترده‌ی پیچیدگی و پیچیدگی اجتماعات انسانی، فرهنگ دیگر کنترلی صرف، تحت تاثیر «بی‌تفاوتی مدنی»^۲ سیطره‌ی خود را از دست داده است. با این وجود هنوز هم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه برنامه‌های پیشگیری از جرم نه بر پایه‌ی مطالعات نظری و میدانی و بهره‌گیری از رویکردهای علمی بلکه بر پایه‌ی «دیگر کنترلی» صرف، سیاست‌های محدود کننده و مراقبتی و ورود به عرصه‌ی خصوصی بنیان نهاده شده است. گارلند معتقد است که در حال حاضر به واسطه‌ی اقبال عمومی به پیشگیری، دولت‌ها نیز بدان گرایش پیدا کرده‌اند ولی تفسیری که آن‌ها از پیش‌گیری دارند نه بر پایه‌ی پیش‌گیری اجتماعی بلکه بر اساس سیاست‌های افزایش کنترل، توسل بیشتر به مسئولیت فردی و کنترل اجتماعی است. نتیجه‌ی این سیاست‌ها تمرکز بر رویکردهای وضعی در زمینه‌ی پیش‌گیری و واکنش‌های قهری، سرکوب‌گر و بازدارنده نسبت به بزهکاران و کم‌رنگ شدن نقش پیش‌گیری اجتماعی است (هاستینگس، ۱۳۸۷: ۹).

سیاست‌های پیش‌گفته برای کشورهای بهره‌مند از نظام حقوقی دینی، چالش‌های درخور توجهی ایجاد کرده است. چرا که «دین» مهم‌ترین و کارآمدترین نهادی است که پیش‌گیری بر پایه‌ی «خود کنترلی»^۳ را بیشتر از «دیگر کنترلی» و اتخاذ روش‌های قهری و سرکوبگر مورد تاکید

^۱ . Other Control

^۲ . زیمیل در اثری به نام فلسفه مد مطرح می‌کند در شهرها به واسطه‌ی پیچیدگی زیاد، زمان کم و سرعت فراوان افراد فرد گرامی می‌شوند. در نتیجه فرد گرا شدن شاخص‌های اعتبار اجتماعی یک مساله را کاهش می‌دهد و افراد نسبت به تفاوت‌ها بی‌تفاوت می‌شوند.

^۳ . خودکنترلی عبارت است از تعارض درون فردی بین منطق و هوس، بین شناخت و انگیزه و بین برنامه ریز درونی و عمل‌کننده بیرونی که غلبه‌ی قسمت اول هر کدام از این زوج‌ها بر قسمت دوم است (رچلین، ۱۹۹۵ به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵: ۳)



قرار داده است. در واقع آموزه‌های دینی ضمن توجه به هر دو جنبه‌ی خود کنترلی و دیگر کنترلی، به ابزارهای کنترلی شخصی در پرتو ساخت یک نظام اعتقادی بیشتر توجه می‌کنند.^۱ به علاوه دین می‌تواند بر سلامت روحی و روانی فرد تاثیرگذار باشد (Mccullough, 2009) و از این رهگذر افراد را به رفتار اجتماعی سالم سوق دهد. از دیگر سو پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که خودکنترلی پایین‌تری دارند به پیامد رفتارهای خود، کمتر می‌اندیشند (Logo, 1988) و سعی در ارضای فوری امیال خود داشته (Sorenson, Bronfield, 1995) و از ارتکاب اعمال ضد اخلاقی و جرم نیز ابایی ندارند. بر این اساس آنچه می‌تواند سازوکاری مناسب برای کاهش رفتارهای مجرمانه محسوب گردد ایجاد امکان خود کنترلی است.

یکی از سازوکارهای افزایش خود کنترلی که می‌تواند سهم به‌سزایی در پیش‌گیری از جرم ایفا نماید دستیابی به درکی از خویشتن است که بر پایه‌ی آموزه‌های اخلاقی، دینی و انسانی، توانایی کنترل رفتارهای انسان را داشته باشد. از این درک و تفسیر انسان از خویشتن و اطرافش، به هویت تعبیر می‌کنند.

هویت نوعی تفسیر فرد از خود و پیرامون است (Rummens, 1993). هویت به معنای نوعی مدل ذهنی فرد از خود (Weinreich, 2003) و به عبارت دیگر تفسیر همواره در حال انجامی است که فرد از خود و پیرامونش دارد. در این میان، دین ضمن تأکید بر آموزه‌هایی که به تقویت بُعد کنترلی فرد می‌انجامد، یکی از سازوکارهای دستیابی به این مهم را تعریف خود بر اساس مولفه‌های الهی و عمل بر اساس آن می‌داند. در واقع آنچه از آن به عنوان هویت دینی یاد می‌شود همین ارجاع‌دهی عناصر هویتی به آموزه‌های دینی است.

اطلاق لفظ هویت دینی هنگامی به کار می‌رود که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) را پذیرفته باشند و خود را بر مبنای مجموعه‌ای از اعتقادات، مناسک و سایر اجزای مرتبط با دین تعریف کنند. یکی از ابعاد هویت دینی که دارای کارکردی اجتماعی است و در واقع میزان پایبندی فرد را به هویت دینی نشان می‌دهد دین‌داری است. دین‌داری که بُعد عملی هویت دینی را شامل می‌شود عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه‌ی ایمانی با او دور می‌زند، سازمان

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک به خسروشاهی، قدرت ا.، مراحل سه گانه پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، قم، پژوهشگاه

می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۸۰). در واقع هویت دینی یکی از ابعاد مهم هویت اجتماعی است که متضمن سطحی از دینداری است که با «ما»ی جمعی یا همان اجتماع دینی مقارن بوده و نشان دهنده‌ی احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است.

هویت دینی دارای ابعاد گوناگون است که می‌توان آن‌ها را به چهار بُعد کلی اعتقادی^۱، تجربی^۲، مناسکی^۳ و پیامدی^۴ تقسیم نمود (سراج زاده، ۱۳۸۴: ۶۳). بُعد اعتقادی در قالب باورهای غایت‌گرا که هدف و فلسفه‌ی خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایند، در برگیرنده‌ی باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی خداوند و معرفی ذات و صفات اوست، تعریف می‌شود. بُعد تجربی در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خداوند که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود؛ این در حالی است که بُعد مناسکی با اعمالی که با تجربه‌ی دینی مشخص می‌شوند تعریف می‌گردد، به بیان محدودتر مناسک عمل پرستش انسان دین‌دار است (واخ، ۱۳۸۷: ۲۶). النهایه بُعد پیامدی ناظر بر رفتار روزمره و بیانگر حضور و وجود اندیشه‌ی خداگرایانه در متن زندگی است که رفتار فرد را مستحکم می‌کند و به زندگی او رنگ و بوی دینی می‌بخشد (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۲).

تأثیراتی که هویت دینی در حوزه‌ی پیش‌گیری از جرم دارد به‌طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق تأثیرگذاری بر مسائل اجتماعی قابل تبیین است. همان‌طور که فریدمن^۵ معتقد است دین از طریق سازوکاری اقتصادی در پیش‌گیری از جرم موثر است؛ به‌زعم کوهن^۶ آموزه‌های دینی از طریق رابطه‌ی ساخت نظام اجتماعی توانایی کنترل و کاهش جرم را دارند. در این بین می‌توان به نظریه‌ی آنومی دورکیم، جرم‌جویان دیوید ماتزا، انتخاب منطقی گراسمیک، برانگیختگی توماسون، نظریه‌ی گروه مرجع کلارک و استدلال اخلاقی کلبرگ نیز اشاره کرد.^۷ که همگی بر آنند که دین به عنوان یک متغیر اجتماعی مهم، عاملی تأثیرگذار در پیشگیری از جرم است.

1. Ideological

2. Experimental

3. Rituals

4. Consequential

5. Milton Friedman

6. Thomas Samuel Kuhn

۷. برای مطالعه بیشتر ر.ک به



از طرف دیگر برخی به نقش غیر مستقیم دین در پیشگیری از جرم اشاره دارند. از منظر این گروه دین موجب تقویت احساس وابستگی به موجودی فرا انسانی، احساس آرامش و وجدان-گرایی می‌شود و از این طریق می‌تواند در پیشگیری از جرم موثر باشد. همچنین دین با تقویت سرمایه‌ی اجتماعی^۱ می‌تواند در پیشگیری از جرم موثر واقع شود. به علاوه دین موجب کاهش خطر ابتلا به افسردگی می‌شود و این امر به نوبه‌ی خود نقش به‌سزایی در ارتکاب جرایم با منشا روانی دارد.

تقویت هویت دینی علی‌رغم این که باعث می‌شود فرد خود را بر مبنای مولفه‌های هویت بخش دین تعریف نماید و در نتیجه به بایدها و نبایدهای دینی پایبند باشد بلکه می‌تواند از طریق ارتقاء سایر متغیرهای روانی و اجتماعی مرتبط با ارتکاب جرم زمینه‌ی پیشگیری از آن را فراهم آورد.^۲ با این حال کاستی تحقیقات میدانی در حوزه‌ی ارتباط دین و جرم موجب شده است که رابطه‌ی دین، ابعاد هویت دینی و دین‌داری با انواع جرایم به عنوان مسأله‌ای مبهم، پیچیده و بحث برانگیز باقی بماند و از لحاظ علمی ارتباط این دو مولفه ناشناخته باقی مانده و در نتیجه سرمایه-گذاری لازم در جهت تقویت ابعاد دینی تأثیرگذار در پیشگیری از جرم به عمل نیاید.

۲. پیشینه پژوهش؛

بیشتر پژوهش‌های مرتبط با رابطه‌ی دین و جرم بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌تدوین یافته و عمدتاً در آن‌ها به روابط علی اشاره نشده، دین و جرم در تمامی جرایم و سطوح مختلف مرتبط فرض شده‌اند. از این رو با صرف نظر از این پژوهش‌ها در مقاله‌ی حاضر به تعدادی از بررسی‌های متاخر انجام شده با روش میدانی که از حیث روش‌شناسی با گروه قبلی پژوهش‌ها، تفاوت ماهوی دارند، اشاره می‌شود. در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۳ تحت عنوان جنسیت، دین و سازگاری مجرمین با زندان^۳ به روش پیمایشی (نمونه‌ی ۷۲۳ نفر از زندانیان زن و مرد) بر اساس نظریه‌ی نظریه جانسون و کرلی انجام شد محققین^۴ نتیجه گرفتند که افزایش سطح دین‌داری در زندانیان منجر به افزایش احساس مثبت بودن و کاهش نابهنجاری در زندان

^۱. social capital

^۲. برای مطالعه بیشتر. ر.ک به «معنابخشی به زندگی و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در پیشگیری از جرم از منظر قرآن کریم». خسروشاهی، قدرت‌الله؛ هاشمی، ساراسادات؛ نجفی اسکندری، علیرضا؛ مجله: آموزه‌های قرآنی « بهار و تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۲۱ (از صفحه ۱۱۹ تا ۱۴۲)

^۳. Gender, Religion, and prison adjustment of offenders

^۴. Michael J. Montgomery, and Ronald G. Turner

می‌شود. همچنین افراد دین‌دارتر بهزیستی عاطفی و جسمانی بالاتری دارند. همچنین در پژوهش^۱ دیگری بر اساس تجزیه و تحلیل برنامه‌های توان بخشی مذهبی، هول آپ^۲ ثابت کرد که زندانیانی که در برنامه‌های مذهبی زندان شرکت کرده بودند توانایی بیشتری برای بازگشت موفقیت‌آمیز به جامعه دارند. همچنین گزارش تکرار جرم کسانی که در برنامه‌های دینی زندان شرکت کرده بودند نصف کسانی بود که در این برنامه‌ها شرکت نداشتند. بایر و رایث^۳ (۲۰۰۱) در فراتحلیل پژوهش‌های مرتبط با رابطه‌ی دین و جرم^۴ بر اساس تئوری کنترل اجتماعی به این نتیجه رسیدند که رفتارها و اعتقادات مذهبی یا دینی اثر بازدارندگی متوسطی در رفتار جنایی افراد دارند. در پژوهش^۵ دیگری که با استفاده از روش روش همبستگی (نمونه‌ی آماری ۵۰۰ نفری از والدین و فرزندان) انجام گردید مشخص شد سه بُعد دین‌داری به صورت متغیرهای مداخله‌گرایانه بین رفتارهای والدین و انحراف عمل کرده و انتظار والدین این است که دین‌داری فرزندانشان انحراف بعدی آن‌ها را برطرف کند (Litchfield., Thomas, Bing. 1997). تحقیق ایوانز^۶ و همکاران (۱۹۹۵) با استفاده از روش خود گزارش دهی، گستره‌ی بازدارندگی دین به صورت مستقل یا در ترکیب با سایر عوامل را ثابت نمود. همچنین فراگیر بودن تاثیر دین بر انواع جرایم و به صورت ویژه اختصاص آن به جرایمی که در زمره‌ی نقض حدود تقوا در دین قرار دارند نتیجه گرفته شد. در تحقیق دیگری با عنوان «دین و بزهکاری در میان نوجوانان»^۷ که توسط چادویک^۸ به روش همبستگی انجام شد. اثبات گردید که دو معیار دین‌داری، یعنی رفتار مذهبی و احساسات دینی، در پیش‌بینی بزهکاری دخالت دارند، به نحوی که هرچه شدت رفتار مذهبی در بُعد خصوصی بیشتر باشد، میزان ارتکاب بزهکاری کمتر خواهد بود. در حوزه‌ی پژوهش‌های داخلی می‌توان به پیمایش جان بزرگی (۱۳۹۲) با عنوان «اثر بخشی ارتقاء نگرش دینی بر رفتار مجرمانه جوانان» اشاره کرد. در این پژوهش که از پرسشنامه‌ی پایبندی مذهبی برای سنجش میزان نگرش دینی جوانان زندانی و فهرست رفتار مجرمانه (شریفی نیا) برای ثبت رفتار مجرمانه (شبه آزمایش - با دو

^۱. Analysis of Religious Practices within Florida Prisons(2011)

^۲. Holup, Nicole

^۳. Baier, C. & Wrigh

^۴. (If you love me, keep my commandments": A meta-analysis of the effect of religion on crime)

^۵. Dimensions of Religiosity as Mediators of the Relations between Parenting and Adolescent Deviant Behavior

^۶. Evans, T., Cullen, F., Dunaway, R., & Burton, V. (1995)

^۷. Religiosity and Delinquency among LDS Adolescents

^۸. Chad Wick, B.A. & Top, B. L. (1993)



گروه آزمایش و کنترل) همراه با پیش آزمون و پس آزمون در زندان استفاده شد، از طریق مدل «اریکسون و جانسون»، کاهش رفتار مجرمانه تحت تاثیر آموزه‌های دینی و همچنین وجود رابطه-ی مثبت معنادار بین ناپایبندی مذهبی و رفتار مجرمانه ثابت شد. همچنین سلطانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی ۱۶۵۹ نفر از سربازان مشغول به خدمت با استفاده مقیاس افکار خودکشی «بک» و مقیاس جهت‌گیری مذهبی «اسلامی» نتیجه گرفتند که بین رفتارهای خودکشی گرایانه و جهت‌گیری مذهبی همبستگی منفی وجود دارد. در پژوهش دیگری تحت عنوان «دین‌داری و رابطه آن با پرخاشگری در معتادین به مواد مخدر، معتادین در حال ترک و افراد غیرمعتاد» که در شهر گناوه انجام شد پورمودت (۱۳۹۱) نتیجه گرفت که افرادی که مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر هستند نسبت به افراد سالم و معتادانی که اعتیاد را ترک نموده‌اند باورهای مذهبی ضعیف‌تری دارند. همچنین با افزایش میزان دین‌داری از شدت پرخاشگری کاسته می‌شود. در پژوهش دیگری (محمدی، ۱۳۹۱) که به روش توصیفی-پیمایشی (۱۵۰ نفر دانشجویان) با استفاده از تبیین‌های نظری کولاسانتو و شریور، پرسشنامه ۶۵ سوالی عمل به باورهای مذهبی گلزاری و پرسشنامه‌ی ۸۹ سوالی گرایش به مواد مخدر انجام شد. پژوهشگر نتیجه گرفت بین میزان عمل به باورهای مذهبی و میزان گرایش به اعتیاد رابطه‌ی معکوس وجود دارد. نازک‌تبار و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان نقش دین‌داری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران با استفاده از روش آزمایشی با آزمودنی و شاهد که (گروه آزمودنی) جوانان ساکن تهران که به صورت قانونی بزهکار (سارق) شناخته شده بودند، (نمونه گیری ۱۲۰ نفر) و جامعه‌ی آماری دوم (گروه شاهد) کلیه‌ی جوانان عادی ساکن شهر تهران در تابستان ۸۴ (نمونه گیری ۱۲۰ نفر)، پژوهشگران نتیجه گرفتند تنها، بُعد پیامدی دین‌داری تاثیر مستقیم بر بزهکاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزهکاری جوانان به خود اختصاص داده است.

۳. مقایسه‌ی پژوهش‌های داخلی و مطالعات خارجی؛

مقایسه‌ی تحقیقات داخلی و خارجی در رابطه با موضوع نشان می‌دهد که تحقیقات داخلی تا حدی ارتباط دین و جرم را مفروض قلمداد کرده‌اند، در حالی که در تحقیقات خارجی با پیش داوری‌های کمتری مواجه هستیم. هرچند در برخی از این تحقیقات نیز به نظر می‌رسد به صورت عامدانه از نقش دین در پیش‌گیری از جرم غفلت شده و یا حتی دین عامل تشویق‌کننده‌ی ارتکاب جرم دانسته شده است.

در حالی که در پژوهش‌های داخلی عموماً ترجیح بر آن بوده است که کمتر از روش پیمایشی استفاده شود، پژوهش‌های خارجی اکثراً به روش تجربی انجام شده است. در واقع پرهیز از توصیف استدلال عقلی صرف، ویژگی عمده‌ی این پژوهش‌ها است.^۱

همچنین در بسیاری از پژوهش‌های داخلی به تاثیر ابعاد مختلف هویت دینی و دین‌داری بر طیف گسترده‌ی جرایم پرداخته نشده است و دین‌داری معمولاً به صورت یک کل مد نظر بوده است.

با بررسی تحقیقات انجام شده می‌توان گفت هرچند تعیین مرز دقیقی از نظر تاریخی برای تحول پژوهش‌های حوزه‌ی دین و جرم امکان‌پذیر نیست، اما پر واضح است که از اواسط دهه‌ی ۸۰ توجه به قدرت بازدارندگی دین به طور مستقیم و از طریق سازوکار «ترس» در پژوهش‌های همبستگی و پیمایشی انجام گرفته است.

از آغاز هزاره‌ی جدید، تبیین‌های جرم‌شناختی معطوف به دین به مسائلی گرایش پیدا می‌کنند که از رویکردی غیر مستقیم تبعیت کرده‌اند. در واقع تعلیل این پژوهش‌ها بیشتر بر سازوکار روانی، وجدانی و همچنین بهزیستی و سلامت روان افراد از طریق دین بوده است. آنها بیشتر از اینکه در پی اثبات رابطه‌ی منفی دین و جرم باشند؛ در پی سازوکاری هستند تا نشان دهند، دین سبب ایجاد سلامت روان در افراد می‌شود و افراد سالم کمتر به جرم روی می‌آورند.

در پژوهش پیش‌رو محقق کوشیده است ضمن جمع‌آوری ادبیات نظری در رابطه با موضوع بر پایه‌ی مدل بومی سازی شده‌ی دین‌داری گلاک و استارک و پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته‌ی خود اظهاری به بررسی رابطه‌ی هر یک از ابعاد هویت دینی با جرم به صورت میدانی پردازد.

۴. روش پژوهش؛

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی است. در تحقیقات همبستگی محقق با استفاده از اطلاعات بدست آمده از دو متغیر (هویت دینی و ارتکاب به جرم) وجود یا عدم وجود ارتباط بین آنها را مشخص می‌کند. جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه اصفهان به تعداد ۱۱۲۴۱ نفر در سال ۱۳۹۳ بود که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم ۳۶۶ نفر برآورد و انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری

۱. برای مثال بیش از ۹۰ درصد پژوهش‌هایی که بایر و رایت (۲۰۰۱) بررسی کرده‌اند، دارای همین ویژگی بوده است.



اطلاعات پرسشنامه بود که به روش خود گزارش دهی تهیه و تنظیم شد. همچنین جهت اعتبار بالاتر پرسشنامه از تحلیل عاملی نیز استفاده گردید.

جدول (۱): میانگین و انحراف معیار نمرات هویت دینی و میزان جرایم

مقیاس	شاخص های آماری	میانگین	انحراف معیار
هویت دینی		۱۱۱/۳۰	۱۵/۸۷
ارتکاب جرایم		۱/۷۸	۳/۳۴

نتایج جدول (۱) نشان می دهد میانگین هویت دینی و میزان جرایم به ترتیب برابر با ۱۱۱/۳۰، ۱/۷۸ است.

جدول (۲): میانگین و انحراف معیار ابعاد هویت دینی

مقیاس	شاخص های آماری	میانگین	انحراف معیار
اعتقادی		۳۰/۹۶	۵/۱۶
تجربی		۳۲/۲۰	۴/۰۷
مناسک		۱۸/۲۷	۴/۲۸
پیامدی		۲۹/۸۵	۴/۹۶

نتایج جدول (۲) نشان می دهد میانگین دین داری در ابعاد اعتقادی، تجربی، مناسکی، پیامدی به ترتیب برابر با ۳۰/۹۶، ۳۲/۲۰، ۱۸/۲۷، ۲۹/۸۵ است.

۵. یافته های استنباطی؛

در این بخش، یافته های استنباطی تحقیق بر اساس سؤالات تحقیق تنظیم و به آن پرداخته شده است.

فرضیه‌ی اصلی: هویت دینی توانسته است تجربه‌های بزهکاری را کاهش دهد.

برای بررسی رابطه‌ی بین هویت دینی با ارتکاب جرایم و پیشگیری از آن جدول (۳) ضریب همبستگی بین هویت دینی و ارتکاب جرایم را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین هویت دینی و ارتکاب جرایم معنی‌دار است. یعنی بین هویت دینی و ارتکاب جرایم ($r = -0/402$) رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. لذا فرضیه‌ی اصلی مبنی بر این که بین هویت دینی و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد، تأیید می‌گردد.

جدول (۳): ضریب همبستگی بین هویت دینی و ارتکاب جرایم

متغیر ملاک ارتکاب جرایم		
شاخص آماری		
متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی سطح معناداری
هویت دینی	-%۰/۴۰۲	۰/۱۶۲

$$p < 0/01$$

یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش جان بزرگی (۱۳۹۲) که موید رابطه‌ی مثبت معنادار بین ناپابیندی مذهبی و رفتار مجرمانه است هم‌سوئی دارد. همچنین یزدان پناه و همکارانش (۱۳۹۲) نیز به وجود رابطه‌ی معنادار بین نگرش به فساد اداری و میزان دین‌داری آن‌ها و ارتباط بین مولفه‌های دین‌داری به صورت مجزا با نگرش به فساد اداری اشاره داشته‌اند. پورمودت و همکارانش (۱۳۹۱) نشان دادند با افزایش میزان دین‌داری از شدت پرخاشگری و اعتیاد کاسته می‌شود. سراج زاده و پوریا فر (۱۳۸۷) نیز بر این نتیجه دست یافتند که احساس آنومی و کجروی با دین‌داری رابطه‌ی معکوس معناداری دارند. در همین راستا سلطانی نژاد و همکاران (۱۳۹۲) بین رفتارهای خود کشی‌گرایانه و جهت‌گیری مذهبی همبستگی منفی نشان دادند. به زعم میشل و همکارانش (۲۰۱۳) افراد دین‌دارتر بهزیستی عاطفی و جسمانی بالاتری دارند. همچنین در آزمایش هول آپ (۲۰۱۱) گزارش تکرار جرم کسانی که در برنامه‌های دینی زندان شرکت کرده بودند نصف کسانی بود که در این برنامه‌ها شرکت نداشتند. همه‌ی این



تحقیقات به این نکته اشاره دارند که دین و آموزه‌های مذهبی توانایی پیشگیری از جرم را دارا هستند. در واقع افرادی که دارای پایگاه قوی تری از هویت دینی هستند کمتر مرتکب جرم می‌شوند.

نتایج پژوهش حاضر را از چند منظر می‌توان تبیین نمود؛ نخست آن که دین به واسطه‌ی پایگاه آن دنیایی و اعتبار این دنیایی می‌تواند با ایجاد تمایلات منفعت طلبانه در بین عده‌ای به واسطه‌ی از دست ندادن «بهشت» و ترس از «جهنم» ارتکاب جرم را بکاهد. درست شبیه نگرشی که هیرشی و استارک در خصوص آتش دوزخ و نتایج آن یافتند. دیگر آن که می‌توان از طریق اندیشه‌های دورکیمی به تحلیل نتایج این پژوهش پرداخت. دورکیم با اشاره به جایگاه دین به عنوان عاملی که «وجدان جمعی» را ایجاد و هدایت می‌کند؛ غلبه‌ی وجدان جمعی یعنی ترس از مجازات در پنداره‌ی جامعه را علت عمده‌ی رابطه‌ی منفی دین و جرم دانسته است؛ در واقع می‌توان ادعا کرد که در جوامعی که هویت دینی از اعتبار بالایی برخوردار است جرایم به طور مشهود میزان کمتری دارند. بر این اساس می‌توان کارکرد دین در کنترل و پیشگیری از جرم را به تناسب سطوح تاثیرگذاری آن تحلیل نمود. در سطح شخصی می‌توان اثرگذاری روانی و فردی را مد نظر قرار داد که دین از یک جهت با همسویی با وجدان فردی و انسانی رفتارهای مثبت را تایید و رفتارهای منفی را رد و طرد می‌کند. همین امر می‌تواند به تقویت رفتار اخلاقی یا تضعیف رفتار مجرمانه منجر شود. از سوی دیگر در سطح اجتماع و سیاسی می‌توان انتظار داشت که دین از طریق اثرگذاری بر بُعد روان جمعی، که سطح تحلیل آن در حوزه‌ی روانشناسی اجتماعی است از طریق ایجاد هزینه‌های اجتماعی ناشی از انجام رفتار مجرمانه تاثیرگذار باشد. در واقع زمانی که دین هزینه‌ی اجتماعی یک رفتار مجرمانه مثلاً اختلاس را در جامعه بالا ببرد آنگاه فرد اختلاس کننده توسط مردم دین دار با بد رفتاری، کم توجهی، تمسخر، توهین و... مواجه خواهد شد. در حالی که چنانچه دین از رفتار مجرمانه‌ای مثل تظاهرات غیر قانونی و یا مبارزه علیه حکومت حمایت کند، آنگاه مجرمان از طرف مردم دین دار مورد حمایت قرار خواهند گرفت. در واقع دین می‌تواند با ایجاد هزینه یا سرمایه‌ی اجتماعی در کاهش یا افزایش جرم تاثیرگذار باشد. تبیین دیگر محقق در خصوص چرایی رابطه‌ی معکوس هویت دینی و ارتکاب جرایم این است که پایگاه

دین به واسطه‌ی آن که اقتدار خود را حفظ کند مجازات‌های سنگینی برای برخی از جرایم همچون شرب خمر، زنا، و... در نظر گرفته است. از این رو به واسطه‌ی غیر قابل قرار دادی کردن مجازات و ثابت بودن آن، تمایل به ارتکاب جرم کاهش می‌یابد؛ در حالی که بدون توجه به وابستگی‌های اعتقادی، عاطفی و مناسکی به دین، فرد می‌تواند به راحتی و بدون نگرانی از مجازات دینی لایتغیر مرتکب رفتارهایی شود که در فرهنگ‌های دیگر ممکن است جرم محسوب نشود.

۱-۵. بُعد اعتقادی هویت دینی توانسته است بزهدکاری را کاهش دهد.

یافته‌های جدول (۴) نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین بُعد اعتقادی از هویت دینی و ارتکاب جرایم معنی دار است. یعنی بین بُعد اعتقادی از هویت دینی و ارتکاب جرایم (۳۱۸/۰-۲) رابطه معنی دار وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (۲۲) ۱۰/۱ درصد واریانس بُعد اعتقادی از هویت دینی و ارتکاب جرایم مشترک بوده است. لذا فرضیه‌ی اول مبنی بر این که بین بُعد اعتقادی از هویت دینی و ارتکاب جرایم رابطه‌ی وجود دارد، تأیید می‌گردد.

جدول (۴): ضریب همبستگی بین بُعد اعتقادی از هویت دینی و میزان ارتکاب جرایم

متغیر ملاک ارتکاب جرایم		شاخص آماری	
متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	ضریب مجذور ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتقادی	۰/۳۱۸**	۰/۱۰۱	۰/۰۰۱

$$p < 0/01$$

بُعد اعتقادی دین به موضوعاتی چون دریافت جزا و پاداش اعمال، ناظر بودن خداوند، رسیدگی به حساب روز قیامت، رعایت عدالت توسط خداوند، وجود بهشت و جهنم اشاره دارد. باورهای غایتگر که هدف و خواست از خلقت انسان است و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایند در این بُعد قرار می‌گیرند. در مورد بُعد اعتقادی دین و اهمیت آن کنت معتقد است اگر اعتقادات دینی نبود، جامعه از هم می‌گسیخت، وی از اعتقادات دینی به عنوان یکی از مؤلفه‌های



اجماع اجتماعی یاد می‌کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می‌داند که همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را به هم دیگر پیوند می‌دهد (قاسمی و امیری اسفرجانی، ۱۳۹۰). دور کیم^۱ نیز معتقد است که اعتقادات مذهبی باعث می‌شود، افراد وابسته و مطیع یک قدرت خارجی شوند به طوری که افراد منافع شخصی خود را از یاد می‌برند. در واقع اعتقادات دینی نوعی اقتدار اخلاقی را به همراه دارد که احساس ملکوتی را در افراد بیدار می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۱).

آیزن بیان می‌کند که اعتقادات و باورها تاثیر غیرمستقیم بر رفتار دارد، و گرایش‌ها و باورها خود تحت تاثیر شخصیت و شرایط اجتماعی زندگی افراد است. به عبارت دیگر شخصیت و شرایط اجتماعی زندگی افراد بر گرایش‌ها و اعتقادات آن‌ها تاثیر گذار است و اعتقادات و باورها از طریق تاثیر بر قصد و نیت افراد بر جهت‌گیری رفتار آدمیان تاثیر می‌گذارد. او نتیجه می‌گیرد که اعتقادات و باورها تنها یکی از عوامل موثر بر رفتار است. آیزن معتقد بود از طریق ضمانت‌های درونی و رفتار مبتنی بر عادت‌ها که آنها ایجاد می‌کنند، نوع خاصی از شخصیت به وجود می‌آید که نهادهای دینی با تثبیت و حفظ این نوع شخصیت آن را به صورت الگوهای رفتاری در می‌آورند که این الگوها ممکن است، از نظر دینی جهت‌دار باشند (وبر، ۱۳۸۵).

اعتقادات دینی دید مشترکی از جهان به افراد جامعه اعطا و سازماندهی افراد را تسهیل می‌کند. اعتقادات دینی ارزش‌های مطلقه‌ای که افراد برای زندگی به آنها نیاز دارند را فراهم می‌کنند. این ارزش‌های مطلق، پاسخی برای مسأله مرگ و زندگی که انسان نیاز به آن دارد را فراهم می‌کند (توسلی، ۱۳۸۰). دیویس معتقد است از آنجا که هدف‌های گروهی، فطری نیستند باید با وسایلی حفظ شوند، بنابراین برای دستیابی به این هدف، هدف‌های گروهی باید با کنش‌های فردی پیوند خورده و کارکرد اعتقادات دینی انجام این امر است. از این رو می‌توان گفت بر مبنای این تئوری کسانی که هنجارهای اجتماعی را نقض کرده، مرتکب جرم می‌شوند در واقع از جهت اعتقادی ضعیف بوده و فرآیند درونی شدن ارزش‌های دینی برای چنین افرادی به خوبی صورت پذیرفته است. هرچند راستی آزمایی این تئوری نیازمند انجام پژوهش‌های میدانی در این زمینه است. وانگهی مفهوم مقابل این دیدگاه آن است که کسانی که از لحاظ اعتقادی در سطح قابل قبولی قرار دارند کمتر از دیگران مرتکب نقض هنجارهای جمعی می‌شوند.

این بُعد همچنین باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تامین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آن‌ها توجه کند، را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد افرادی که در بُعد اعتقادی از هویت دینی نمرات بالایی را کسب می‌کنند به شاخص‌های فوق-الذکر التزام شناختی دارند و چنین دانشی افراد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. از این رو رابطه‌ی بین این بُعد از هویت دینی و ارتکاب جرم قابل تبیین خواهد بود.

تبیین فریدمن و هیرشی نیز بر همین پایه استوار است، به زعم آن‌ها کاهش رفتارهای مجرمانه را می‌توان به واسطه‌ی نگرش اعتقادی دانست؛ اگر چه این مساله به واسطه‌ی تبیین مبتنی بر «ترس» می‌تواند جرم را کاهش دهد. این مساله همچنین در نظریه‌ی توماسون و همکاران نشان داده شده است؛ اگر پایه‌ی تحلیل‌های پژوهش حاضر به سطح فرد تقلیل یابد ترس از جهنم و عقوبت می‌تواند با استفاده از سازوکار استرس و نگرانی از عذاب اخروی در پیشگیری از جرم موثر باشد. اما از منظر دیگر با توجه به رویکردهای فایده‌گرایانه و با استفاده از دیدگاه گراسمیک می‌توان تحلیل کرد که منافع ناشی از تجربه نکردن رفتار مجرمانه برای جوانان در آینده بیشتر از لذت ناشی از آن رفتار خواهد بود. از این رو عقلانی است که رفتار مجرمانه کمتر توسط افراد معتقد انجام گیرد. این در حالی است که حتی اگر وجود چنین اعتقادی خیلی هم ضعیف باشد از نظر عقلانی احتمال اثر بخشی آن در حوزه‌ی رفتاری وجود دارد؛ بر این اساس ضعیف بودن اعتقادات تا حدی می‌تواند تجربه‌ی رفتار مجرمانه را افزایش دهد ولی عدم ارتباط بین آن‌ها را نمی‌توان نشان داد. از این رو حتی اگر احتمال وجود جهنم و بهشت بسیار کم باشد، کم بودن احتمال، عامل تشکیک و ترس در فرد را افزایش می‌دهد.

با استفاده از نظریه‌ی گراسمیک می‌توان کاهش تجربه‌ی بزهکارانه در بُعد اخلاقی را بر اساس رویکردهای کارکردگرا و هم بر اساس رویکردهای فایده‌گرا تبیین نمود. این دیدگاه را نزد بایر و رایت (۲۰۰۱) نیز می‌توان یافت؛ به زعم آن‌ها «پاداش‌های فرا طبیعی» یکی از راهبردهایی است که دین برای کاهش رفتار مجرمانه بکار گرفته و امکان محاسبه‌ی سود و زیان این دنیایی را برای مرتکب جرم ناممکن می‌کند. این مساله می‌تواند فرد را در موقعیت عدم تمایل به رفتار مجرمانه برای دستیابی به یک پاداش بزرگتر قرار دهد.



از منظری دیگر بُعد اعتقادی دین همان ایدئولوژی است. ایدئولوژی عقیده‌ی خاص یک گروه و طبقه و ملت خاص است. ایدئولوژی بینش و آگاهی ویژه‌ای است که انسان نسبت به خود، جایگاه طبقاتی، پایگاه اجتماعی، وضع ملی، تقدیر جهانی و تاریخی خود و گروه اجتماعی که به آن وابسته است دارد و آن را توجیه می‌کند و براساس آن مسئولیت‌ها، راه‌حل‌ها، جهت‌یابی‌ها، موضع‌گیری‌ها، آرمان‌ها و قضاوت‌های خاصی پیدا می‌نماید و در نتیجه به اخلاق، رفتار و سیستم ارزشی ویژه‌ای معتقد می‌شود. ایدئولوژی «چگونه یافتن»، «چگونه شدن»، و «چه باید کرد»‌های انسان را نشان می‌دهد؛ وجود انسان و زندگی وی را دربرمی‌گیرد و در وی عشق، پرستش، تقدیس، تعهد، ایثار، جهاد و حتی شهادت را برمی‌انگیزد. به علاوه نظام اجتماعی و شکل زندگی افراد را مشخص می‌کند؛ نظام ارزش‌ها را ارائه می‌دهد؛ فرد و جامعه‌ی ایده‌آل را معرفی می‌کند و تعهدزا و مسئولیت‌ساز است. از این رو می‌توان انتظار داشت فرد ایدئولوگ یعنی کسی که در بُعد اعتقادی دین دارای دیدگاهی روشن و قابل دفاع است به دلیل دارا بودن ایدئولوژی و ویژگی خاصی که ایدئولوژی برای وی می‌آفریند یعنی همان تعهدزا بودن و مسئولیت‌پذیری در برابر ارتکاب اعمال مجرمانه، توان مقاومتی بیشتری از خود نشان داده، نسبت به مبانی اعتقادی خود تعهد بیشتری نشان دهد. از این رو رابطه‌ی منفی بین بُعد اعتقادی و ارتکاب اعمال مجرمانه قابل تبیین خواهد بود.

۲-۵. بُعد تجربی هویت دینی توانسته است بزهکاری را کاهش دهد.

یافته‌های جدول (۵) نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین بُعد تجربی از هویت دینی و ارتکاب جرایم معنی‌دار است. یعنی بین بُعد تجربی از هویت دینی و ارتکاب جرایم $(r = -0.284)$ رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) ۸/۱ درصد واریانس بُعد تجربی از هویت دینی و ارتکاب جرایم مشترک بوده است. لذا فرضیه‌ی دوم مبنی بر این که بین بُعد تجربی از هویت دینی و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد، تأیید می‌گردد.

جدول (۵): ضریب همبستگی بین بُعد تجربی از هویت دینی و ارتکاب جرایم

متغیر ملاک میزان جرایم			شاخص آماری
متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	
تجربی	۰/۲۸۴**	۰/۰۸۱	سطح معناداری ۰/۰۰۱

$$p < 0.01$$

بُعد تجربی به شاخص‌هایی چون احساس نزدیکی به خدا، احساس شرم از گناهان، ترس از خدا پس از انجام گناه، طلب توبه و بخشش، آرامش داشتن در ارتباط با خدا و کمک خواستن از او در انجام امور اشاره دارد. در واقع بُعد تجربی ناظر بر بُعد عاطفی است؛ عاطفه حالت و کیفیتی درونی درباره‌ی نگرش و دید روانی فرد نسبت به دیگران (یا اشیا) بوده و عامل دوری یا نزدیکی وی با آنان است. روح انسان به واسطه‌ی عاطفه تمایل و رغبت و یا نفرت به امور پیدا می‌کند. احساسات، عوامل درونی هستند که فرد آن‌ها را پذیرفته و در باطن، خود را با آن‌ها وفق داده است و اعمال او متأثر از آن‌هاست. وبر (۱۹۷۶) معتقد است آموزه‌های مذهبی به انسان‌ها این‌طور القا می‌کند که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان ظاهری‌اند و بدین ترتیب دین می‌تواند خصلت به ظاهر خودسرانه‌ی جهان را معنی‌دار و سامان‌مند جلوه دهد و در واقع توجیه خوشبختی و بدبختی را برای آدمیان فراهم می‌کند (توسلی، ۱۳۸۰). این بُعد دین در هنگام مشکلات به کمک انسان‌ها می‌آید و احساس آرامش را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد (همیلتون، ۱۳۸۱). برگر^۱ اعتقاد دارد، انسان همواره به دلیل بیم و وحشتی که از بی‌معنا شدن زندگی دارد تمایل به نظام معانی که به لحاظ اجتماعی، هدف‌دار است پیدا می‌کند. دین یکی از مؤثرترین ابزارها برای ایجاد این نظام به شمار می‌آید و کارکردش برداشت سعادت‌مند و معنی‌دار از واقعیت است (توسلی، ۱۳۸۰). با تلفیق دیدگاه‌های مطرح شده از سوی اندیشمندان می‌توان گفت: افراد جامعه برای رسیدن به اهداف گروهی باید کنش‌های فردیشان را با یکدیگر پیوند دهند و

¹. Bergern



اعتقادات دینی مشترک همان شیرازه‌ی نیرومندی است که به واسطه‌ی دید مشترکی که از جهان به افراد اعطا می‌کند، آن‌ها را یک پارچه‌تر و هماهنگ‌تر می‌کند و باعث همبستگی گروهی بین آنان می‌شود. بنابراین رسیدن به اهداف مشترک را برای آن‌ها تسهیل می‌کند.

دین با احساس و عاطفه پیوندی ناگسستنی دارد. بُعد عاطفی دین علاوه بر اثر گذاری بر وجدان فردی می‌تواند در سطحی فراتر از آن وجدان اجتماعی را نیز شاخصی برای سنجش رفتار مجرمانه قرار دهد؛ این امر در واقع نشان از نوعی افزایش یا کاهش هزینه‌های اجتماعی ارتکاب جرم دارد. نظریه‌ی استدلال اخلاقی کلبرگ را می‌توان در این تحلیل بکار بست؛ به زعم او شخص مجرم به دلیل عدم بلوغ، رشد و نمو در شخصیت اخلاقی، جرم را امری قبیح ندانسته و به سادگی دست به ارتکاب آن می‌زند. بُعد تجربی دین‌داری معیارهای استدلال اخلاقی فرد را از منافع شخصی و گروهی به سطحی اجتماعی ارتقاء می‌دهد که در آن مصالح به منافع و جمع به فرد ترجیح داده می‌شود. بر این اساس رفتار ناشایست بر پایه‌ی معیارهای محلی، دوستان، خانواده و اطرافیان سنجیده نمی‌شود؛ بلکه رفتار غیر اخلاقی، رفتاری است که خرد جمعی و عقلانیت آن را ناشایست تلقی کند. در تحلیل کلبرگ از ارتکاب جرم بعد تجربی هویت دینی با ایجاد احساس شرم از گناهان، شرم از خدا، طلب توبه و بخشش و نیاز به آرامش داشتن سبب می‌گردد فرد رفتارهای مجرمانه و غیر اخلاقی خود را کاهش دهد.

از دیدگاه نگارنده، امروزه بُعد احساسی و تجربی نسبت به گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و جهت دهنده‌ی اعمال و رفتار انسانی در حوزه‌های مختلف اجتماعی است. گذشته از احساسی شدن جنبه‌های مختلف زندگی انسان امروز، بُعد تجربی در ارتباط با جوانان نسبت به سایر اقشار جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. از سویی جوان در مرحله‌ای از زندگی قرار دارد که ابعاد احساسی او بسیار قوی و جهت دهنده‌ی بسیاری از کنش‌ها، اعمال و رفتار او بوده و از این منظر به علت سیطره‌ی بُعد احساسی و تجربی او نسبت به سایر ابعاد میزان تأثیری پذیرش از این بُعد بسیار زیاد است و حتی می‌تواند اعمال و رفتاری که تحت تأثیر بُعد اعتقادی یا مناسکی به وجود آمده است را تغییر دهد و از سوی دیگر در حال حاضر به واسطه‌ی افزایش تنوعات در حوزه‌های مختلف، گرایش جوانان به ابعاد زیبا شناختی تحت تأثیر تبلیغات و دستاوردهای جهان

غرب بسیار بیشتر از گذشته شده است. در واقع از طریق بُعد تجربی می‌توان نسل‌های گوناگون و به ویژه نسل جوان را به سادگی جذب و رفتار او را مطابق خواسته‌های خود مهندسی نمود. از این منظر دین به عنوان یکی از نهادهایی که جنبه‌های احساسی و عاطفی فراوانی دارد می‌تواند جهت دهنده‌ی رفتار جوانان از طریق سازوکارهای عاطفی باشد. در حال حاضر به واسطه‌ی افزایش سرعت زندگی گرایش افراد به ابعاد اعتقاد دهنده که تحصیل آن زمان بر بوده، کمتر شده و ابعاد احساسی دین اهمیت بیشتری یافته است. بنابراین لازم است مسئولان نهادهای عدالت کیفری، متولیان فرهنگی جامعه، روحانیون و سایر اقشاری که به نحوی با دین، ارتباط دارند با درک این موضوع در کنار ابعاد اعتقادی و مناسکی دین که در جامعه‌ی ما نسبت به آن تاکید فراوانی شده است، به ابعاد تجربی و احساسی که جلوه‌های فراوانی از آن نیز در دین وجود دارد نیز توجه نموده و تلاش کنند با شناخت جامعه‌ی هدف مطابق ذائقه‌ی آن‌ها عمل نمایند. هرچند ذکر این نکته ضروری است که بُعد تجربی دین علی‌رغم تاثیر عمیق و ایجاد در زمان نسبتاً کوتاه، دوام کمتری نسبت به بُعد اعتقادی داشته و نیازمند تقویت دائمی است. چه این بُعد نسبت به سایر ابعاد علی‌رغم تاثیر گسترده، زود گذر بوده و قابلیت جایگزینی با سایر عوامل تاثیرگذار را خواهد داشت.

۳-۵. بُعد مناسکی هویت دینی توانسته است بزه‌کاری را کاهش دهد.

یافته‌های جدول (۶) نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین بعد مناسکی از هویت دینی و ارتکاب جرایم معنی‌دار است. یعنی بین بُعد مناسکی از هویت دینی و ارتکاب جرایم $(r = -0.403)$ رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) ۱۶/۲ درصد واریانس بُعد مناسکی از هویت دینی و ارتکاب جرایم مشترک بوده است. لذا فرضیه‌ی سوم مبنی بر این که بین بُعد مناسکی از هویت دینی و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد، تأیید می‌گردد.



جدول (۶): ضریب همبستگی بین بُعد مناسکی از هویت دینی و ارتکاب جرایم

متغیر ملاک میزان جرایم			
شاخص آماری			
متغیر	ضریب	مجدور ضریب همبستگی	سطح معناداری
پیش بین	همبستگی		
مناسکی	***-۰/۴۰۳	۰/۱۶۲	۰/۰۰۱

مناسک به عنوان یک از مهم ترین ابعاد هویت دینی، جایگاه خاصی در مطالعات انسان شناختی و جامعه شناختی و در فهم دین دارد. عموماً و بطور سنتی، مناسک را وجه عینی دین می‌دانند. بُعد مناسکی در برگیرنده رفتارهایی چون نماز خواندن، روزه گرفتن، شرکت در مراسم مذهبی، تلاوت قرآن و است. مناسک جمعی دلبستگی افراد را به هدف‌های گروهی تشدید می‌کند و یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند. در مفهومی دیگر همه‌ی مناسک یک کارکرد اجتماعی عمده دارند که همان حفظ جماعت و تازه نگه داشتن حس تعلق به گروه است. به علاوه این مناسک و ماهیت چنین گردهمایی‌هایی است که شور و شوق فرد را برمی‌انگیزاند و شرکت کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه آگاه می‌سازد. از این رو می‌توان انتظار داشت انجام مناسک به صورت فردی همانند خواندن نماز به دلیل القای آرامش و مناسک جمعی به دلیل احساس تعلق به گروه، احساس نزدیکی و دلبستگی به آنان و اهداف مشترک، فرد را از انجام اعمالی که مغایر با احساس وحدت و ارزش‌های گروه است و ممکن است منجر به طرد فرد از آن شود باز دارد.

از دیدگاه دورکیم کارکرد اجتماعی مناسک حفظ جماعت و تازه نگه داشتن حس تعلق به گروه است. وی معتقد است مناسک و ماهیت چنین گردهمایی‌هایی شور و شوق فرد را برمی‌انگیزاند و شرکت کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه آگاه می‌سازد (همیلتون، ۱۳۸۱).

انجام مناسک تابع قواعدی است؛ این قواعد الزاماتی را بر فرد اعمال می‌کند، مثل بر پا داشتن نماز و روزه که طهارت نیاز دارد و انجام آن‌ها از دو منظر می‌تواند رفتارهای مجرمانه را کاهش دهد؛ نخست بر اساس دیدگاه کارکردگرایی، و دیگری بر اساس دیدگاه رفتارگرایی؛ در دیدگاه رفتارگرایی رفتارهای مداوم و منظم تبدیل به عادت، خلق شخصیت و منش فرد می‌شود؛ از منظر کارکردگرایی انجام مناسک ضرورتاً برای افراد منافی در پی خواهد داشت، یا در دنیا یا در آخرت،

بر این اساس اگر فرد از انجام مناسک احساس آرامش نکند (منفعت این دنیایی) یا به پاداش آن در آخرت اعتقاد نداشته باشد (منفعت آن دنیایی) ناگزیر دو کار را انجام خواهد داد؛ یا تحت تاثیر سایر متغیرها همچون فشار خانواده، نظام سیاسی و... مناسک گرامی شود؛ دیگر اینکه این احتمال وجود دارد که مناسک زده شود؛ در این معنا فرد مناسک زده شده، مناسک را بر اساس منافع «انتخاب» و انجام می‌دهد؛ در این حالت بسیار احتمال افراط و تفریط وجود دارد. فرد مناسک زده به شدت تابع ظواهر دین بوده و ظواهر دین را برای منافع خود مورد استفاده قرار می‌دهد؛ در این حالت خاص اگر چه ظاهراً به نظر می‌رسد دین داری مناسکی عامل کاهش جرم است؛ ولی مناسک گرایبی سبب اختفای جرم و نه کاهش آن شده است.

با این حال با وجود اهمیت مناسک که منجر به ایجاد ذهنیت مثبت فرد از خود و دیگران از وی شده و این برچسب مثبت خود عامل پیش گیراننده در ارتکاب جرم به شمار می‌آید، متأسفانه در سنت جامعه شناسی دینی در برخی از کشورها همچنان صرفاً بر ذهن گرایبی، اعتقادات و باورها تاکید می‌شود. خود این فرآیند سنجش، نیز یک پدیده‌ی ذهنی است و از خلال گفتارهای دین‌داران و نه مشاهده‌ی عینی رفتارهای دینی و مناسک مذهبی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد. در نتیجه همیشه بحران اعتبار در صحت گفته‌های دین‌داران و ادعای آن‌ها در باب دین‌داریشان وجود دارد.

۵-۴. بُعد پیامدی هویت دینی توانسته است بزهکاری را کاهش دهد.

یافته‌های جدول (۷) نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین بُعد پیامدی از هویت دینی و ارتکاب جرایم معنی دار است. یعنی بین بُعد پیامدی از هویت دینی و ارتکاب جرایم (۳۷۵/۰-۲) رابطه‌ی معنی دار وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (۲) ۱۴/۱ درصد واریانس بُعد پیامدی از هویت دینی و ارتکاب جرایم مشترک بوده است. لذا فرضیه‌ی چهارم مبنی بر این که بین بُعد پیامدی از هویت دینی و میزان جرایم رابطه وجود دارد، تأیید می‌گردد.

جدول (۷): ضریب همبستگی بین بُعد پیامدی از هویت دینی و ارتکاب جرایم

متغیر ملاک میزان جرایم		شاخص آماری	
متغیر	ضریب	مجدور ضریب همبستگی	سطح معناداری
پیش بین	همبستگی		



$$p < 0.01$$

بُعد پیامدی ناظر بر آثار باورها و اعمال، تجربه‌ها و دانش دینی بر زندگی و اعمال روزمره‌ی پیروان هر آیین است؛ دقت در حلال و حرام، هراس از عمل غیر مذهبی و کمک به مستمندان در این دسته قرار می‌گیرد. دین‌داری عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروه تقویت می‌کند و بدین وسیله یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر بیشتر می‌کند. از این رو به زعم صاحب‌نظران تنها زمانی می‌توان از یک دین صحبت کرد که شخص آموزه‌ها و عملکردهای یک گروه اجتماعی را پذیرفته و به آن‌ها عمل کند. بُعد پیامدی در برگیرنده‌ی رفتارهایی چون رعایت حقوق دیگران، مسئولیت در برابر خدا، انجام امر به معروف و نهی از منکر و... است. از رو می‌توان انتظار داشت چنین پیامدهایی از دین که بر فرد مترتب می‌شود فرد را از رفتارهای ضد اجتماعی باز دارد.

دیویس نیز بر تاثیر دین‌داری بر رفتار افراد جامعه تاکید کرده است. او بیان می‌دارد که دین‌داری عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروه تقویت می‌کند و بدین وسیله یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند. وی همچنین به نقشی که دین بر رفتار انسان دارد، پرداخته است و آن‌قدر آن را حائز اهمیت می‌داند که می‌گوید تنها زمانی می‌توان از یک دین صحبت کرد که شخص آموزه‌ها و عملکردهای یک گروه اجتماعی را پذیرفته و به آنها عمل کند (همیلتون، ۱۳۸۱).

آنچه موجب اهمیت بیشتر این بُعد از دین‌داری در کنترل رفتار و پیشگیری از جرم می‌شود آن است که این بُعد در واقع ثمره‌ی ابعاد دیگر دینی محسوب شده و جلوه‌ی عملی دین در حوزه‌ی اخلاق اجتماعی و رعایت حقوق دیگران قلمداد می‌گردد. در واقع بُعد پیامدی دین‌داری ناظر به رفتار فرد دین‌دار در عرصه‌ی زندگی جمعی است.

امروزه بر خلاف کشورهای جهان سوم که در آن‌ها هنوز ابعاد اعتقادی و مناسکی دین مورد تاکید است، در کشورهای توسعه یافته از اهمیت ابعاد پیش گفته کاسته شده و جلوه‌های بُعد پیامدی دین‌داری بر سایر ابعاد سیطره پیدا کرده است. از این حیث در این کشورها کسی خود را دین‌دار می‌داند که تا اندازه‌ی زیادی به ابعاد پیامدی دین پای‌بند باشد، در حالی که در کشورهای کمتر توسعه یافته، دین بیشتر در ابعاد اعتقادی و مناسکی تعریف شده است.

از دیدگاه نگارنده در حال حاضر لازم است نهادهای عدالت کیفری با سرمایه‌گذاری بر ابعاد پیامدی دین که رابطه‌ی مستقیم‌تری با پیش‌گیری از جرم داشته و موجب کاهش گرایش فرد به نقض حقوق دیگران می‌شود، در جهت ارائه‌ی تصویر جدیدی از دین بر اساس جلوه‌های کاربردی آن تلاش کنند. اگر بُعد اعتقادی دین بر اندیشه و باورهای فرد تاثیر گذاشته و از این جهت می‌تواند با ایجاد نظام معنایی و اعتقاد به بهشت، جهنم، قیامت و عدالت خداوند در پیشگیری از جرم موثر باشد و بُعد مناسکی از طریق ایجاد احساس وحدت با گروه اجتماعی و بُعد تجربی از طریق افزایش احساس و عاطفه، بُعد پیامدی دین‌داری به صورت مستقیم در پیشگیری از جرم موثر است. از همین رو به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری بر بُعد پیامدی دین ضمن این که هزینه‌های کمتری را بر دستگاه‌های عدالت کیفری تحمیل می‌کند می‌تواند اثر بخشی بیشتری نسبت به سایر ابعاد دین‌داری داشته باشد.

۵-۵. ابعاد هویت دینی توان پیش‌بینی ارتکاب جرایم و پیشگیری از آن را دارا می‌باشد.

به طوری که یافته‌های جدول (۸) نشان می‌دهد از بین متغیرهای مورد مطالعه در رگرسیون، بهترین پیش‌بینی کننده‌ی ارتکاب جرایم در گام اول بُعد مناسکی و در گام دوم بُعد اعتقادی بوده است.

جدول (۸): ضریب همبستگی چندگانه‌ی ابعاد هویت دینی با ارتکاب جرایم

متغیر ملاک	شاخص آماری	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه تعدیل شده	ضریب F	سطح معناداری
گام اول	گام	مناسکی	۰/۴۰۳	۰/۱۶۲	۰/۱۶۰	۷۰/۴۲۲	۰/۰۰۱
	دوم	اعتقادی	۰/۴۲۲	۰/۱۷۸	۰/۱۷۳	۳۹/۲۸۷	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام، ارتباط بین ابعاد مناسکی و اعتقادی با ارتکاب جرایم معنی‌دار بوده است. بر این اساس در گام اول ضریب بُعد مناسکی ۱۶/۲ درصد واریانس ارتکاب جرایم و در گام دوم ضریب ابعاد مناسکی و اعتقادی ۴۲/۲ درصد واریانس ارتکاب جرایم را تبیین



می‌کند. F مشاهده شده در سطح $p < 0/01$ معنی دار بوده است بنابراین رگرسیون قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در بُعد مناسکی، میزان جرایم را $0/325$ واحد کاهش و ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در بُعد اعتقادی، میزان جرایم را $0/148$ واحد کاهش می‌دهد.

جدول (۹): ضریب بتا در پیش بینی ابعاد هویت دینی با ارتکاب جرایم

شاخص متغیر پیش‌بین	ضرایب بتای غیر استاندارد	ضرایب بتای استاندارد	ضریب t	سطح معنا-داری
گام اول	$-0/314$	$0/037$	$-0/403$	$0/001$
گام دوم	$-0/254$	$0/044$	$-0/325$	$0/001$
اعتقادی	$-0/096$	$0/036$	$-0/148$	$0/009$

$p < 0/01$

به طوری که از جدول (۹) ملاحظه می‌شود رابطه‌ی ابعاد تجربی و پیامدی با ارتکاب جرایم معنادار نبوده است. به این معنا که این ابعاد توان پیش بینی ارتکاب جرم را ندارند.

جدول (۱۰): متغیرهای بیرون معادله در رگرسیون برای پیش بینی ارتکاب جرایم با ابعاد هویت دینی

مقیاس	بتا	مقدار t	سطح معناداری
تجربی	$0/119$	$1/541$	$0/124$
پیامدی	$-0/105$	$-1/264$	$0/207$

$p < 0/05$

یافته‌های این قسمت از پژوهش با بخشی از یافته‌های خدایاری فرد (۱۳۸۵)، حیدر نژاد (۱۳۹۱) و محسنی و نوروزی (۱۳۸۵) همراستا است اما با یافته‌های نازکتابار و همکارانش (۱۳۸۵) همراستایی

ندارد. به زعم خدایاری فرد و همکاران از میان مولفه‌های دینداری، باور دینی بیشترین رابطه منفی را با گرایش به سوء مصرف مواد داشته است، همچنین رابطه‌ی مولفه‌ی گرایش و عواطف دینی با استعداد سوء مصرف مواد معنی دار نبوده است. به زعم نازکتابار و همکاران تنها، بعد پیامدی دینداری تاثیر مستقیم بر بزهکاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزهکاری جوانان به خود اختصاص داده است. همچنین محسنی و نوروزی بیان کرده‌اند در گروه جوانان عادی تنها بعد مناسکی با جرم تاثیر مستقیم دارد که پژوهش حاضر نیز به این نتیجه دست یافته است. این در حالی است که محسنی و نوروزی نشان دادند در گروه جوانان بزهکار بعد پیامدی دین و مناسکی آن با ارتکاب جرم مرتبط هستند. حیدر نژاد نیز نشان داد تنها بعد اعتقادی و مناسکی دین هستند که با میزان بزهکاری رابطه‌ی معناداری دارند و دیگر ابعاد دین با بزهکاری رابطه‌ی معناداری ندارند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت ابعاد مناسکی دین به واسطه‌ی وجهه عینی و قابل مشاهده از دیدگاه پاسخ‌گویان از اعتبار بیشتری در بین سایر ابعاد برخوردار است. همچنین تمایل به بعد مناسکی می‌تواند نتیجه و پیامد عملکرد نهادهای فرهنگی و عقیدتی در جامعه باشد. بدین معنا که یا افراد از تجربه کردن سایر ابعاد در عرصه اجتماعی محروم مانده‌اند یا بعد مناسکی به واسطه فریبی مفرط از کاربرد بیشتری برخوردار بوده و از این رو دوام بیشتری نسبت به سایر ابعاد دارد. به علاوه به نظر می‌رسد بعد مناسکی دین از این رو که عمدتاً جزء واجبات (نماز و روزه) بوده‌اند از اعتبار بیشتری برخوردارند، تبیین‌کننده ارتکاب جرم بوده است. به علاوه تأکید بر بعد اعتقادی دین در سطح جامعه، تمرکز محتوای درسی بر بعد اعتقادی و شناختی و دانش شناختی به دلیل تأکید رسانه و نهادهای آموزشی از جمله دلایلی است که این بعد در گام دوم قادر به پیش‌بینی ارتکاب جرم بوده است. بدین معنی است که تأکید بر این دو بعد از ابعاد هویت دینی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی کاهش جرایم باشد.

۵-۶. بین نظرات پاسخگویان در متغیر ارتکاب جرایم با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی (جنس، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی) تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۱): تحلیل واریانس چندراهه نمرات میزان جرایم با توجه به متغیرهای دموگرافیک

منبع	مجموع	درجه	میانگین	F	سطح معنی‌داری
	مجذورات	آزادی	مجذورات		

جنس	۱۵۷/۱۰۷	۱	۱۵۷/۱۰۷	۰/۰۰۱
وضعیت تاهل	۰/۷۳۷	۱	۰/۷۳۷	۰/۷۸۶
مدرک تحصیلی	۱/۷۲۷	۲	۰/۸۶۳	۰/۹۱۷
رشته تحصیلی	۴۵/۴۹۶	۲	۲۲/۷۴۸	۰/۱۰۴

نتایج مندرج در جدول (۱۱) نشان می‌دهد که بین ارتکاب جرایم بر حسب وضعیت تاهل، رشته‌ی تحصیلی، مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ولی تفاوت بین نمرات ارتکاب جرایم بر حسب جنس معنی‌دار است.

جدول (۱۲): آزمون زوجی مقایسه میانگین نمرات ارتکاب جرایم بر حسب جنس

جنس	تفاوت میانگین	سطح معنی‌داری
مرد (۲/۳۷۶) ← زن (۰/۸۷۲)	۱/۵۰۴	۰/۰۰۱

نتایج مندرج در جدول (۱۲) نشان می‌دهد بین نمرات ارتکاب جرایم زنان و مردان تفاوت معنی‌دار وجود دارد و مردان در مقایسه با زنان بیشتر مرتکب جرم می‌شوند.

این مساله را می‌توان از منظر تفاوت‌های زیست‌شناسانه و روانشناسانه و همچنین ابعاد جامعه‌پذیری مردان نسبت به زنان، فرهنگ مردانه، فرصت‌های محیطی بیشتر برای مردان، واگذاری مسئولیت به مردان، عاطفی بودن زنان، تفاوت در میزان اعتماد به نفس، نگرش نسبت به قانون، نگرش جامعه نسبت به زنان مجرم و تفاوت در میزان ریسک‌پذیری دو جنس تحلیل کرد. الگوهای جامعه‌پذیری زنانه نشان می‌دهند زنان از کودکی برای رفتارهای تربیتی و مادرانه در آینده تربیت می‌شوند. انتقال نقش‌ها به کودکان از طریق بازی، نوعی آماده‌سازی برای نقش‌های واقعی در جامعه است؛ از سوی دیگر مردان بخشی از تمایلات مجرمانه و خشونت‌آمیز خود را از نقش‌های کودکی خواهند آموخت؛

جامعه‌ی مرد سالار به مرد خشن و زن مطیع نیاز دارد. از این رو در اسباب بازی پسر بچه‌ها تفنگ، ماشین پلیس و بازی‌هایی چون پلیس بازی و... را به سهولت می‌توان دید، که آن را امری بدیهی و وابسته به جنسیت قلمداد می‌کنند؛ حال آنکه نظریه‌های فمینیستی^۱ آن را نوعی کلک پدرسالارانه‌ی سنتی می‌دانند؛ بر این اساس تربیت زنانه تابعی از فرهنگ یک جامعه است. در حافظه‌ی جامعه‌ی ایران مجرم یک «مرد» شناخته می‌شود؛ در واقع رفتارهای مجرمانه از مردان سر می‌زند؛ این موضوع را به صراحت می‌توان در ادبیات رایج کودکانه مانند؛ «آقا گرگه»، «آقا دزده»، «آقا پلیسه»، که نمونه‌هایی از انتساب ویژگی‌های خشن به مردان است مشاهده نمود.

۵-۷. بین نظرات پاسخ‌گویان در متغیر هویت دینی با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی (جنس، وضعیت تاهل، رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی) تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۲): تحلیل واریانس چند راهه نمرات هویت دینی با توجه به متغیرهای دموگرافیک

منبع	مجموع	درجه آزادی	میانگین	F	سطح معنی- داری
مجذورات	مجذورات		مجذورات		
جنس	۱۴۳۹/۵۴۹	۱	۱۴۳۹/۵۴۹	۶/۰۴۶	۰/۰۱۴
وضعیت تاهل	۴۶/۰۰۳	۱	۴۶/۰۰۳	۰/۱۹۳	۰/۶۶۱
مدرک تحصیلی	۱۲۷۳/۷۴۹	۲	۶۳۶/۸۷۵	۲/۶۷۵	۰/۰۷۰
رشته تحصیلی	۸۶۷/۸۶۱	۲	۴۳۳/۹۳۱	۱/۸۲۲	۰/۱۶۳

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به رایجیان اصلی، مهرداد و جوادی، حسین. رویکردهای نظری به تبعیض علیه زنان با تاکید بر جرم‌شناسی فمینیستی. مجله حقوقی دانشگاه اصفهان - سال دوم، شماره ۳، تابستان ۹۱



نتایج مندرج در جدول (۱۲) نشان می‌دهد که بین نمرات هویت دینی بر حسب وضعیت تاهل، رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ولی تفاوت بین نمرات هویت دینی بر حسب جنس معنی‌دار است.

جدول (۱۳): آزمون زوجی مقایسه میانگین نمرات هویت دینی بر حسب جنس

جنس	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
مرد (۱۰۸/۲۸)	-۴/۵۵۳	۰/۰۱۴
زن (۱۱۲/۸۴)		

نتایج مندرج در جدول (۱۳) نشان می‌دهد بین نمرات هویت دینی زنان و مردان تفاوت معنی‌دار وجود دارد و زنان از هویت دینی بالاتری برخوردار بوده‌اند.

دانشمندان علوم اجتماعی مانند سایر تمایزهای جنسی در این مورد این تفاوت نیز پاسخی کلی دارند که همان «جامعه‌پذیری جنسیتی» است. از دیدگاه جامعه‌شناسان نقش مادر در برگیرنده‌ی دین‌داری است، زیرا شامل کارهایی چون آموزش سجایای اخلاقی به کودکان و مراقبت از سلامت جسمی و روحی سایر اعضای خانواده می‌باشد. حتی برخی استدلال می‌کنند چون اکثر زنان در بیرون از خانه کار نمی‌کنند و بنابراین وقت بیشتری برای امور دینی و عبادت دارند بیشتر از مردان مذهبی هستند. اما شواهد تجربی چندانی برای این استدلال‌ها در مورد تمایز جنسی در دین‌داری وجود ندارد. با این حال جامعه‌پذیری جنسیتی هیچ‌گاه دلیلی راستین برای تمایز جنسی مشاهده شده نیست. تمایز جنسی در دین‌داری به طور مستقیم تابع تمایز جنسی در خطر کردن است. زنان به طور ذاتی بیش از مردان خطرگریز هستند، زیرا خطرپذیری، منفعت بسیار کمتری برای زنان دارد درست به همین دلیل است که مردان بیش از زنان مرتکب جرم می‌شوند و دست به خشونت می‌زنند. اگر مردان خطرپذیرتر از زنان باشند و دین نیز ابزاری تکاملی برای به حداقل رساندن مخاطره باشد، بنابراین طبیعی است که زنان بیشتر از مردان مذهبی باشند. در همین راستا طبق بررسی‌هایی که انجام شده است خطرگرایی فرد رابطه‌نیرومندی با دین‌داری وی دارد و این نکته در مورد مقایسه‌ی هم‌جنسان نیز صادق است. نه تنها زنان بیشتر از مردان خطرگریز و مذهبی هستند مردان خطرگریزتر نیز بیشتر از مردان خطرپذیرتر مذهبی هستند و زنان خطرگریزتر نیز بیشتر از زنان خطرپذیرتر مذهبی هستند. تمایز جنسی در خطرگرایی، دین‌داری و بزهکاری همگی پیامد مستقیم تمایز جنسی است. مردان در

تمام حوزه‌های زندگی به خطر کردن گرایش دارند زیرا روی گردانی از خطر کردن برایشان پیامدهای ناخوشایندی دارد و سبب می‌شود در عرصه‌ی روابط بازنده شوند. دین و مذهب نیز حوزه‌ای است که مردان بیش از زنان در آن اهل خطر کردن هستند.

بررسی جزئیات پژوهش در رابطه با تجربه‌ی افراد از بزهکاری و میزان دین‌داری آن‌ها نشان می‌دهد که میزان ارتکاب جرایمی که برای آن‌ها مجازات منصوص شرعی وجود دارد پایین‌تر از جرایمی است که صرفاً در قانون جرم انگاری و کیفرگذاری شده است. به عبارت دیگر هراندازه میزان پایبندی دینی فرد افزایش یافته، کمتر مرتکب جرایمی از قبیل داشتن رابطه‌ی جنسی با جنس مخالف بدون ازدواج، مصرف مشروبات الکلی، قمار کردن، روزه خواری در ملاء عام، ایجاد مزاحمت برای جنس مخالف، رابطه‌ی جنسی با جنس موافق و سرقت اموال دیگران شده است. در حالی که در رابطه با جرایم و ناهنجاری‌هایی از قبیل استفاده از محتوای پورن و سکسی، بیان کردن امور غیر واقعی برای ازدواج، استفاده از قرص‌های اکس، فرار از خانه به علت مشکلات خانوادگی، لزوماً بین پایبندی دینی و ارتکاب این جرایم در همه‌ی موارد رابطه‌ی منفی معناداری وجود ندارد. این بدان معناست که هرچند به واسطه‌ی اصول کلی شرع بسیاری از رفتارهایی که تجاوز به حق ا...، حق النفس و حق الناس است ممنوع دانسته شده و برای آن‌ها مجازات دنیوی و یا اخروی پیش بینی شده ولی اصولاً افراد نسبت به رفتارهایی که مستقیماً توسط شارع جرم انگاری شده حساسیت بیشتری داشته و بر همین اساس هر اندازه میزان دین‌داری آن‌ها افزایش پیدا کرده از موارد ارتکاب این جرایم کاسته شده است.

۶. پیشنهادات

- با توجه به یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه‌ی معنادار تمامی ابعاد هویت دینی با ارتکاب جرم، پیشنهادات کاربردی زیر برای دستگاه‌های اجرایی و سیاست‌گذار می‌تواند مفید باشد:
- افزایش سهم رسانه‌ها به‌ویژه برنامه‌های تلویزیونی در تقویت آموزه‌های دینی با تاکید بر کلیه ابعاد دین‌داری و با تمرکز بر ابعاد پیامدی دین.
- دخیل کردن سازمان‌های مردم‌نهاد و استفاده از شیوه‌های جامعه‌محور به منظور پیشگیری از بزهکاری به ویژه در ارتباط با جوانان.



- هماهنگ کردن فعالیت نهادهای مختلف در زمینه‌ی پیشگیری از جرم و توجه به رویکرد چند نهادی.
- تهیه‌ی بسته‌های آموزشی ویژه با تاکید بر موضوعات مورد نیاز و الزامات روز در رابطه با اشکال نوین بزهکاری جوانان از قبیل فعالیت‌های رایانه‌ای، اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی.
- تدارک کلاس‌های آموزش‌های مذهبی با محوریت مسائل مبتلا به جوانان مانند موضوعات تشکیکی.
- ایجاد زمینه برای مطالعه‌ی تطبیقی در حوزه‌ی دین و نقش آن در پیشگیری از انواع جرم به صورت تفریدی.
- بستر سازی برای افزایش مشارکت جوانان در تهیه و تدارک برنامه‌های مذهبی و همچنین همکاری آن‌ها با نهادهای دولتی و مردم نهاد به منظور اثر بخشی بیشتر اقدامات پیشگیرانه.
- توجه بیشتر به ابعاد پیامدی و تجربی هویت دینی در برنامه ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی.
- ایجاد زمینه برای افزایش مطالعات والدین به عنوان اولین الگوی همانندی از طریق تدارک محتوای آموزشی خاص خانواده.
- افزایش روحیه‌ی پرسش‌گری و تفکر انتقادی در بین جوانان از طریق ترغیب آنان به بیان ایده‌ها و افکار خود و نقد منصفانه‌ی آراء و نظریات دینی.
- ارزیابی و معرفی الگوهای موفق دینی و علمی به منظور همانندسازی.

منابع؛

- پور مودت، خاتون و عارفی، زرغام. (۱۳۹۲). «بررسی مقایسه‌ای دین‌داری و رابطه‌ی آن با پرخاشگری در معتادین به مواد مخدر، معتادین در حال ترک و افراد غیرمعتاد»، فصلنامه‌ی روان‌شناسی سلامت. سال دوم، شماره ۱.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی دینی*، تهران: انتشارات سمت.
- جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۲). «اثربخشی ارتقاء نگرش دینی بر رفتار مجرمانه جوانان». فصلنامه روان‌شناسی و دین. سال ششم، شماره اول.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). *روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: انتشارات سمت.
- حیدر نژاد، علی رضا. (۱۳۹۱). «بررسی میزان دین‌داری و تاثیر آن بر بزهکاری - مطالعه موردی شهر مرزی زابل». مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اریه شده در همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، سیستان و بلوچستان: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان
- خدایاری فرد، محمد و همکاران. (۱۳۸۸). «رابطه دینداری و خودکنترلی پایین با استعداد سوء مصرف مواد در دانشجویان». فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره نهم، شماره ۳۴: ۱۳۰-۱۱۵
- خسرو شاهی، قدرت ... (۱۳۹۳). *مراحل سه گانه پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خسرو شاهی، قدرت ... و همکاران. (۱۳۹۴). «معنابخشی به زندگی و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در پیشگیری از جرم از منظر قرآن کریم». *مجله: آموزه‌های قرآنی* «بهار و تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۲۱: صص ۱۴۲ ° ۱۱۹.
- سراج زاده، حسین. (۱۳۸۴). *چالش‌های دین و مدرنیته*، چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو.
- سراج زاده، سید حسین؛ پوریا فر، محمد رضا. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه‌ی دین‌داری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان». *مجله مسائل اجتماعی ایران*. سال شانزدهم، شماره ۶۳.



- سراج زاده، سید حسین. (۱۳۸۳). «نیمه پنهان: گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی های اجتماعی و دلالت های آن برای مدیریت فرهنگی». مجله فلسفه و کلام، شماره ۴۱.
- سلطانی نژاد، عبد الله و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه ی جهت گیری مذهبی با رفتارهای خودکشی گرایانه سربازان». مجموعه مقالات و سخنرانی های ارائه شده در سمینار سبک زندگی با محوریت سلامت. خراسان جنوبی: سازمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند.
- صدری، جمشید؛ جعفری، علی رضا. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه ی باورهای مذهبی با سلامت روان. مطالعه ی موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر». مجله علوم رفتاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال دوم، شماره ۳.
- طالبان، محمد رضا. (۱۳۸۰). «دینداری و بزه کاری-معرفی و کاربرد همبستگی متعارف»، مجله اطلاع رسانی و کتابداری: نمایه پژوهش: شماره ۲۰.
- علمی، محمود و حیدری، رضا. (۱۳۹۰). «رابطه پایگاه هویت و جرم در بین جوانان آذربایجان». فصلنامه مطالعات اجتماعی. شماره ۲۶. ۸۳-۹۸.
- قاسمی، وحید و امیری اسفرجانی، زهرا. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه شناسی تاثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی» (مطالعه موردی شهر اصفهان)، جامعه شناسی کاربردی، شماره دوم، صص ۲۱-۴۶.
- محسنی، علی رضا و نوروزی، مهدی. (۱۳۸۵). «بررسی تاثیر میزان دین داری در کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه جوانان یزهکار و غیر بزهکار شهر بابل». مجله مطالعات جامعه شناختی جوانان. سال اول، شماره ۲، ۱۹۱-۱۶۹.
- محمدی، شهناز و دیگران. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه ی عمل به باورهای دینی و میزان گرایش به اعتیاد». فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال دوم. شماره ۳، ۴۴۴-۴۲۵.

- نازک‌تبار، حسین و زاهدی، محمد جواد و نایبی، هوشنگ. (۱۳۸۵). «نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران». فصلنامه رفاه اجتماعی. سال ششم، شماره ۲۲. ۲۵۷-۲۳۳.
- واخ، یوآخیم. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه جمشید آزادگان. تهران: انتشارات سمت.
- وبر. ماکس. (۱۳۸۵). *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات هرمس.
- هاستینگس، رس. (۱۳۸۷). «دورنمای پیش‌گیری از بزهکاری، مسائل و چالش‌ها». ترجمه شهرام ابراهیمی. فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، شماره ۷. ۲۰۲-۱۹۱.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی دین*. مترجم: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات تبیان.
- یزدان پناه، لایلا و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه‌ی نگرش به فساد اداری و دین‌داری - مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان». مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال چهارم، شماره دهم، ۱۶۰-۱۳۷.

- Baier, C. & Wright, B. (2001). "If you love me, keep my commandments": A meta-analysis of the effect of religion on crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 38,3-21.
- Baier, C. & Wright, B. (2001). "If you love me, keep my commandments": A meta-analysis of the effect of religion on crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 38,3-21.
- Bell, Daniel.(1992). "Crime as an American Way of Life". *The Antioch Review* .Vol. 50, No. 1/2, 50th Anniversary Issue (Winter - Spring, 1992), pp. 109-130
- Catherine Bell,(1992). religion, available at: <https://books.google.com/books>
- Chad Wick, B.A. & Top, B. L. (1993), "Religiosity and Delinquency among LDS Adoles cents. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32, N: 1 Evans", T., Cullen, F., Dunaway, R., &
- Burton, V. (1995). Religion and crime reexamined -the impact of religion, secular controls, and social ecology on adult criminality. *Criminology*, 33,195-224.



- Coleman c, Moynihan j .*Understanding crime data: haunted by the dark figure, eptember 1996*, PP 160.
- "Criminal Behaviour and Mental Health", Volume 8, Issue 3, pages 241° 242, September 1998
- Henggeler, S. W. (1989). *Delinquency in adolescence, Canada*: Sage.
- Hindelang, M.J., T. Hirschi, and J.G. Weis. 1981. Measuring delinquency. Beverly Hills:Sage Publications
- Hirschi, T., and R. Stark.(1969)."Hellfireandd elinquency", Social Problems17 :202-213
- Holden George W., Williamson Paul Alan.(2014). *Religion and Child Well-Being*, Handbook of Child Well-Being,pp 1137-1169
- Holup, Nicole.2011. "Analysis of Religious Practices within Florida Prisons. Senior Seminar in the Interdisciplinary Social Sciences", ISS4935. April 15, 2011
- Litchfield, Alleh W.; Darwin, Thomas, L. & Doali, Bing. (1997), "Dimensions of Religiosity as Mediators of the Relations between Parenting and Adolescent Deviant Behavior", Journal of Adolescent Research, vol. 12.
- Logue, A. M. (1988). "Research on self control: an integration framework", Behavioral and Brain Science, 11. 666-709
- McCullough, M., Pargament, K., & Thorensen, C. (2000). *Forgiveness: Theory, research, and practice*. New York, NY: Guilford Press.
- Michael J. Montgomery, and Ronald G. Turner,2013 (GE_DER, RELIGIO_, A_D PRISO_ ADJUSTME_T OF OFFE_DERS). International Journal of Arts and Commerce Vol. 2 _o. 4, April 2013,.149-157
- Rummens, J. (1993). *Personal Identity and Social Structure in Sint Maartin/Saint Martin: a Plural Identities Approach*. York University
- Short, J. F., & Nye, I. F. (1957). Reported behavior as a criterion of deviant behavior. Social Problems, 5, 207-213.Thornberry, T. P., Lizotte, A. J., Krohn

- Sorenson, A & Brownfield, D. (1995). *Adolescent drug use and a general theory of crime: an analysis of a theoretical integration*. *Journal of revue canadienne de criminology*; Javier 1995, 19-37.
- Weinreich, P and Saunderson, W. (Eds) (2003). "Analysing Identity: Cross-Cultural, Societal and Clinical Contexts." London: Routledge
- Wilson and Richard J. Herrnstein (1985), *Crime and Human Nature* by James Q.. New York: Simon and Schuster, v23,issue2, 1985.

